اندیشه‌های پاسافمینیستی و مستقل کلیت انسانی

محمدمهدی قانعی‌زاده **، نیما محبی **، جواد ابراهیمی‌خراشادی ***

چکیده: مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش‌های استادی و تحلیلی به بررسی ابعاد معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی نظریه‌های فمینیستی میراد. تا راهبردهای فمینیستی به‌عنوان یک جنبه اجتماعی رهایی‌بخش را با مستقل کلیت انسانی آشکار سازد. مهم‌ترین نتیجه‌ی این پژوهش برای پیشنهاد شکاف بین گروه‌ای و عضوی به دو سبکی شدن است. این دو جریان فکری که تحت تأثیر شرایط اجتماعی مقری متناوب ایجاد شده‌اند، محورهایی با تعیین شرایط در سال‌های آخر قرن و با شکل‌گیری نظریه‌های پاسافمینیستی مورد تکرر در عصر و پایان‌یافته‌ی قرن گذشته‌ی پاسافمینیسم از گروه‌های متولی اجتماعی در شکل است و یکی از این گروه‌های به اکثریت بودن‌های اجتماعی فمینیستی میراد. اما از نظر اصل فهم سپیدن، تلاش برای توجه مجدد به کلیت انسانی موج فمینیسم موضع‌دار دارد. تأثیر این موشنگی‌ها در تکمیل و شکل‌گیری جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی را برای توجه هیچ‌مان به رهایی‌بخش زنان و کلیت انسانی فراهم می‌سازد.

جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی را برای توجه هیزمان به رهایی‌بخش زنان و کلیت انسانی فراهم می‌سازد. در مقاله‌ی حاضر، آن‌گونه که این مقاله‌ی ارائه‌ی مورد در بر نگرفته‌ی جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی: فمینیسم قانونی و پاسافمینیسم: تاریخ و مدل‌های انسانی، نظریه‌های فمینیستی و معرفت‌شناسی فمینیستی کلیت انسانی، سوژه‌ی پاسافمینیسم، فمینیسم مدرن.

فیلم‌سازی، فمینیسم موج سوم.

مقدمه و طرح مسئله

فمینیسم در سیر تحول خود به‌ویژه در دویست سال اخیر، دو رهایی متفاوت را رط و مناسب با گذرنمایی شرایط تاریخی، فرهنگی و سیاسی، روزی کرده‌ای متفاوت را اتخاذ کرد است (مشیرزاده، ۱۳۸۵). فمینیسم

ghanearad@yahoo.com
nima.mohammadad@yahoo.com
ebrahimikheirabadi@yahoo.com

* دانشیار مرکز تحقیقات سیاست صنعت کشور
** دانشجویی دکترای جامعه‌شناسی و رفتار علمی
*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۱۲
بپژوهش در نیمه دوم قرن بیستم، متأثر از نیاپدی‌های فکری مدرنیسم و با هدف هویت‌بخشی به زنان در مقایسه نظام مردسالاری، به تولید داش رهایی پرداخت. هر یک از گروه‌هایی که گفته مدرنیسم Wired (بریلر، لوسیسیست و رادیکال) از متعاقب‌نشینی، سیاست و اهداف منحصر به فرد خود بودند (بریلر، ۱۹۸۵; آبوم و وورلی، ۱۹۸۳; فریدمن، ۱۹۸۳)، این جنبش اجتماعی سپس تحت تأثیر میانی معرفت‌شناسی مدرنیسم و با تأثیری‌پرداز هوک استنفورد، مورگ و اقولر، سوززی روش‌گری را اعلام کرد. این جنبش با حفظ دورنامه‌ی اصلی خود در مورد دفاع از حقوق زنان، تحت تأثیر جراین پسادنسیام‌پردازی از جهت بیشتر معرفتی و روش سیاستی تغییر جهت داد (زارپاک، ۲۰۰۰). به این ترتیب فلسفه پسادنیازی استفاده داشته‌اند و شبکه‌های معرفتی و تردد در ساختارهای اجتماعی مستقر، پایگاه‌های متغیر جامعه مدرن غربی از جمله برتری جنس میکر، نزد سفید و روابط 

نام جنگر گرا را به کلیه کیهان (زمان: ۱۳۸۵، ۹: ۸-۹).

اندیشه‌های فلسفی در نیمه دوم قرن بیستم، از یکسر دچار آبادان در جامعه مدرن غربی، از یکسر با جامعه مدرن غربی ناشی می‌گردد. انتقال ایده‌ها و ابزارهای جنسیتی، دیدگاه‌های جدید را برای فهم پیچیدگی‌های جامعه‌بندی و بهبود‌های معرفت‌شناختی و اجتماعی رنده ایجاد و کشانامه‌های جدید را برای طرح مسایل زندگی را مسئولیت کرده، از سوی ویژگی‌های جوامع بشری و موضوع‌های معرفت‌شناختی و اجتماعی رنده ایجاد و کشانامه‌های جدید را برای طرح

1. Modern Feminism
2. Postmodern Feminism
3. Essentialism
ادیشته‌های پاسفیسمی و مسئله کلیت انسان

دانش بدرسالار با دوگانه‌گرایی معرفتی خود به تولید سوزه‌های مردانه و تابعی از زنانه می‌پردازد و دانش فمینیستی نیز به عنوان یک پدیده‌بنا انکاره می‌کند. برای اینکه رهایی از دریافت زن‌گی هیچ‌گاه یک مقوله طبیعی را فراموش نمی‌نماید، اما در توجه به مفهوم مردانگی، می‌پیوندد که سازگاری خود یا کاربرد زبان طبیعی، از مردان خود ذاتی‌سنجی سخت می‌گوید. با وجود این گونه انتقادات چگونه می‌توان فراموش‌های رهایی‌بخش فمینیستی را نمی‌پذیرد؟ درک، بلکه آن‌ها را در گستره‌ای بیشتر برای بررسی سوزه‌های منکر و راه‌های انسانی توسعه داده‌های پاسفیسمی به این سوال یکی از دغدغه‌های دهه‌های بخش از فمینیستی‌های موج سوم تا تشکیل محور در این گروه از سوزه‌های نوعی تکرار مسئله سوزه‌دانگی فمینیسم را پشت سر می‌گذارد و به دلیل واقعی بر فراموش‌های رهایی‌بخش فمینیستی، همچنان خود را فمینیست می‌نامد. در پاسفیسم، می‌پذیرد که این

گروه از سوزه‌های موج سوم تا این یکی وضیعت بی‌چهه و دوگانه از قبیل گردیده.

سوال‌های اصلی مطالعه حاضر این است: دیدگاه‌های معرفت‌شناختی و سیاسی فمینیسم‌های مدرن و پس‌بندن چه ناسازگاری‌هایی با درک و بررسی کلیت انسانی دارد؟ و چگونه همیشه فمینیستی چگونه می‌تواند به این‌سانی که اندازه‌گیری مفهوم کلیت انسانی می‌پردازد و این بازگشتی چگونه رهایی‌بخشی سوزه‌های انسانی را ممکن می‌کند؟ این نوشته برای پاسفیسمی به این سوال‌ها رویکردی جامع‌شناسی و معرفت‌شناختی را برگزیده است تا با کاوش در مبانی معرفت‌شناختی و مبادی جامع‌شناسی گرایش‌های مختلفی مفینیستی، دستاوردهای آن را برای رهایی زنان و به‌عوامه درک مسئله کلیت انسانی به‌عنوان یک سوزه‌دانک را از قبیل گردیده کند.

بر اساس فرضیه تحلیلی این مقابله، اهداف سیاسی فمینیسم‌های مدرن متعلق به رهایی‌بخشی عام و انسانی‌شناختی است. این جنگ مقدس‌گی بی‌پی‌بینی‌های رفتار می‌کند که معرفت‌ها و مسئله‌ها به‌عنوان درون‌آیه‌های فرهنگی و اجتماعی قربانی اهداف موجود در نظام سیاسی سیاوس، در قلب‌های خانواده فمینیسم می‌تواند بدهم‌شدن زنان وسیله‌ای نظام اجتماعی بین‌جنسیتی فمینیسم مدرن می‌تواند هدف رهایی زنان را مطرح می‌کند، اما به‌عنوان یکی از مسئله‌های کلیت انسانی عملالاً قادر به وصول به آن نیز است.
118 یزدهم زنان، دوره 7 شماره 4، رستاک 1388

فeminism یک‌ساندن نیز هرچند به نقش مبانی معرفت‌شناسی feminism مدنی می‌پردازد، اما با دفاع از تکریک
هستی شناختی نه تنها نمی‌تواند بر محدودیت‌های معرفت‌شناسی feminism مدرن علیه کنند بلکه کلیت
انسانی را به‌طوری‌ای که باید مترکی می‌سازد.

پسافeminism، در معناانی خاص، با حفظ دستاوردهای feminism برای دفاع از موقف زيتران می‌کوشد
با دریافت‌های معرفت‌شناسی خاص زمینه‌های شناختی از راه برای پرساکت کلیت انسانی و پیوند دو
نیمه بشر و ساخته‌های جمعه‌ای می‌تواند بر عدالت جنسیتی را فراهم کند. ارزیابی این فرضیه مستلزم روش
ساختن تعریف مفهوم پسافeminism است. با توجه به اینکه و تفاوت توانشند در ارتباط تربیتی یکسانی از
این مفهوم، بخشی زیادی از این مقاله به توضیح دلالات‌های جنسیتی این اصطلاح می‌پردازد، از
پسافeminism می‌توان دو روایت متمایز به‌دست داد که یکی اساساً مقاومتش غیر feminism و حتی خد
فeminism است و دوگری بر عکس: بین‌گذر مرحله‌ی بلند دیدگاه feminism و در عین حال قرار رفتی از
محدودیت‌های اولیه‌ای است. بر اساس فرضیه مقاله‌ای حاضر، پسافeminism در دلایل اخیر خود
روی کردن feminism اینکه در عین حال قادر می‌شود بر محدودیت‌های معرفت‌شناسی و سیاستی
خود فرافک شود و تصاویر انسانی‌تر از تفاوت‌های جنسیتی ترسیم کند.

دو روایت از پسافeminism

نوپرستگان مختلف دو روایت متمایز از مبانی feminism از آن‌ها انتخاب کرده‌اند: پسافeminism در فرهنگ عهده
پسافeminism در فرهنگ عهده به‌عنوان یک جریان غیر feminism و حتی خود feminism توصیف می‌شود و
پسافeminism دانشگاهی در عروض می‌کوشد در شرایط تحقق اهداف جنسی در ههی 1980 و پس از آن، با
پیشرفت‌های در دیدگاه‌های feminism دستاوردهای آن را بار برای کندا و گسترش دهد این دو روایت با هم
نقل و تفاوت‌های خود، بدلیل زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک شیب‌های نیز با یکدیگر در این
جریان سنتی feminism را هرچند از جمله‌نام‌های تفاوت، به‌جانه می‌کشد.

6. Popular Theories of Postfeminism
7. Academic Theories of Postfeminism
پاسخ‌پذیری در فرهنگ عامه

اولین روایت از پاسخ‌پذیری چیزی است که سوزان فالودی۸(۱۹۹۱) و پورتر۹(۲۰۰۲) از آن انتقاد می‌کند. این روایت از پاسخ‌پذیری، فیلم‌های فیلم‌های را به چسب کهنه و از مد افتاده می‌داند زیرا آنچه که زنان خواهان آن بوده‌اند پیش از این تحقیق لیست اش (آکلی و میجل، ۱۹۹۷) پاسخ‌پذیری در این معنا، جنیش آزادی زنان را منبع سیاسی از مشکلات رایج در میان زنان در پایان دهه ۱۹۸۰ می‌داند و اعتراضی است به می‌بودن ساختن زن به یک سازمانی که پروژه‌ای دیکتاوامانه که زنان را وادار می‌کند تا نشیند، چونی در دنیای کنند که بعنوان پروزی تعریف می‌کند، پاسخ‌پذیری در ابتدای رساله‌ای به‌عنوان جنیشی ایجاد می‌شود که زنانی را که در معانی سنتی آن تعریف می‌کند و به‌دنبال پایان دادن به جریان فیلم‌های است. برای مثال: برات افایت با مشکل افراطی بر هوبه مستقل زن و مرد تاکید دارد و زن را موجودی جذاب در خورده مادری، ازدواج و به‌جوارشند می‌داند او از مردیداران طرح بارگذشز زنان به خانه و تسویه سنتی است که در گذشته مرسوم بوده و آن‌ها موجب گرم شدن کانال خانواده و ایجاد صمیمیت می‌دانید. از این رو گاه پاسخ‌پذیری به این خواص فیزیکی و رمانیکی و گاهی ضروری مرگ‌مربوط می‌شود (گلاسبرگ، ۲۰۰۶)، بر مبنای این دریافت، با تحقیق اهداف فیلم‌هایی، اکنون زنان به‌مردی از استادیوهای حاشیه‌ای در پروزی در محال‌ها و مرزهای پیشین است. این روایت از پاسخ‌پذیری در حالت افراطی خود، گاهی تا اندیشه‌های پایان/مرگ فیلم‌های راده می‌شود.

فاویدوی پاسخ‌پذیری فرهنگ عامه را به منبعه‌های فراگیر از سوی دولت، سابعی و رساله‌ها عليه فیلم‌های (مشیرزاده، ۱۳۸۵:۳۷۳) و یک نوع پس‌زمینه و واکنش فرهنگ عامه در برای موج دوم فیلم‌های می‌داند و این دلیل دیدگاهش را می‌کند که در کتاب «پرسیدن: چگونه ادامه مشبک» (۱۹۹۱) بیان کرده‌است نظریه‌های ایسینگتون از نامناسبه فیلم‌های تصورسازی رساله‌های جمعی در مورد زنان فیلم‌های هیچ‌چیزی از آزادی، برای آن‌ها انتقام می‌کند و آن‌ها از ناکامی‌های جنگ اعمال‌نشده به‌عنوان زنان می‌دانند. رساله‌های عامه، تصور هالیوودی و برهم‌های تلویزیونی، مرگ فیلم‌های را به‌روش داستان‌هایی می‌کشند اعلام می‌کند. این داستان‌ها و رخدادهایی را به‌صورت می‌کشنده تا فیلم‌های را روسا کنند و از

۸. Susan Faludi
۹. Braith Waite
۱۰. Backlash Theory
۱۴۰۰ خورشیدی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴، رسم‌نامه ۱۳۸۸

رخداه‌ها، اخبار و روایت‌هایی که مخالف تلاش آنها باشد غفلت می‌کند. فالوئی در کتاب خود معرفت‌ویژگی
صرفتندی از پسافeminیسم علما را با پنجم ویژگی زیست‌آمیزی می‌کند:

واکنش منفی به موج جدید فeminیسم

۱. تأکید بر فردیت در برابر خواهری جمعی

۲. تمایل به زنانگی سنتی از طریق پرداختن به زندگی خانوادگی و کارهای خانه مصرف‌گرایی،

مجریان عاشقانه و مادری

۳. بحور هویت زنانه ناشی از ترس از کمبود مدرن و خستگی وجودی

احساسات دلواپسی و اضطراب در مورد توانایی تخریب‌های درست باید آیند.

به نظر فالوئی؛ فرهنگ علما با مقصر فلسفه‌ای درمان‌دان مفروض زنان امروزه و دعوت به

با خورشید به زنانگی سنتی، در واقعین فلسفه‌ای تأثیرگذار مستقیم داشته است. زنان احساس می‌کنند مجهورند

چیزی را به کار بودن که فلسفه‌ای برای شان به ارزنده ارده است. با این هماهنگی کردین شغل با خانواده.

بیماری از زنان از این که فلسفیات جهنمی پیدا که جنسیت زنان به عنوان مرجع

تلقی می‌کند از دست بردن دچار تعیین‌گری می‌شود. فالوئی از مقالم‌های درخواست داشته‌ها حقوق نقل

می‌کند که: «آزادی زنان به نسل من درآمد باید؛ انتخاب خانواده تکوالدی،» مراکز بحور تحلیل جنسی

عشق آزاد و پذیرش نزد برای بیماری‌های زنان و... را بخشنده، ما به گونه‌ای مؤثر را از چیزی که شام‌ای

بیشتر زنان به آن وابسته است بیش از مراح متحرک ساخته است». فالوئی این تصویر ویژه‌ای فلسفه را تا

حذف زندگی از عامل‌های روان‌های و نقش آنها در ساختار فرهنگی علما می‌داند و استفاده می‌کند که

فرهنگ عالما تعیین‌گری شدن در زیر یا گانشنت تمایل زنانگی سنتی و این آموزت یک نگاه قدرت‌آوری این‌بار

کرده است. برای مصرف‌گرایی تصویر بدن، جنسیت و خانه موضوعات داغ هستند. فرهنگ عالما به عنوان یک

11. Collective Sisterhood
12. More Traditional Feminity
13. Domesticity
14. Romance
15. Man Shortage
16. Single Parenthood
17. Marketing Scheme
و اکنون بر بارگشت به سمت‌گرایی زنانی از طریق تبلیغات، میدان و رسانهای جدید عیانانه که به نظر قابلیدی، تصویر ساخته‌شده توسط رسانه‌ها از زنان واقعیت را یابان نمی‌کند. بلهه که تصویفی کاذب و قاتلی از زنانی و زنانی نرخ می‌دهند.

قانونی عقیده دارد که بین‌وای و رنج زنان حاصل فشندهای جنسیتی فمینیستی نتیجه و در گیا مدار به‌پیمان برای ساخت تصورات از امیر و کاذب با رسانه، فرهنگ عامه و تبلیغات شروع می‌شود و با آن‌ها پایان می‌یابد. به نظر او رسانه‌ها و نه فمینیسم، را با در ارائه این تصویرهای ناشاد مقصر خواست و سربزش کرد.

فسافینیسم دانشگاهی

در مطالعات فرهنگی دانشگاهی، پسا فمینیسم نه به عنوان واکنش ولیسی‌زی که مبنازی زنان برای نیازها و حق‌های اساسی خود را ایجاد کند بلکه به شوهرهای مبتل به کارکر مورد برخی پسا فمینیسم به معنا اصلاح محدودیت‌های تحلیل فمینیستی از زندگی زنان و شاخص‌های جمهوری از اندیشه‌های فمینیستی است که باید برای مؤثر بودن در عمر پسرادمربی دراز و جهان تغییر وضع فعلی نوعی تصحیح دهید. برخی از موارد باید با تهیه‌ای به تهیه‌ای منهجه توسیع اولین روایت از پسا فمینیسم نزیع به ما باره برخی از این بخش بر پایه دستاوردهای موج دوم جنسیتی فمینیسم قرار گیرد و از سوی دیگر آن، اصلاح کند و از طریق بیان زدن با مفهوم کلیت معرفتی و انسانی به پیش براند.

اولین روایت با انتقاد از جبران فمینیستی آن، نسبت به طرفی که از چالش‌های سیاسی و معرفت‌شناسی حساسیت و امکان‌پذیری در اندیشه‌های فمینیستی را فراموش کرد. برای مثال، قدول روایت از قرار دادن زنان در مقاله مردان، دو موارد را برای دریافت فمینیسم به معنی توجه به هویت‌های جنسی نگاه کرده و در آن زمان از کار می‌پناهند. مجموعه‌ای از شرایط عوامل عاملی به قدرت تغییر خود دیدگاه‌های پسا فمینیستی انجام می‌دهند.

انتقاد از دزن: یکی از زمینه‌های کشتار دیدگاه‌های پسا فمینیستی روبروی دش فمینیسم با انتقادات کسانی بوده که خود را طرفدار رهایی و برای راه‌های زنان می‌دانستند اما شوهرهای مورد استفاده قلمیست‌ها را

18. Feminine Traditionalism
19. Women's Misery
نامه‌سرای ۱۴۰۰/۱2. هستند انتقاد می‌کنند. فeministes‌ها فرهنگ‌های خانم‌ها برای پذیرش می‌کنند و مسئولانه‌تر هستند. در بسیاری از موارد از جامعه‌نوازی زندگی خود و کارهای خانه از «خشن‌نشینه» تا «سوپرمادر» لذت می‌برند.

بعضی اطلاع‌مردان نیز کارهای خود را با کمال نفس و همبستگی می‌پردازند. فeministes‌ها به «تبعیض» عمل می‌کنند. ویژه‌ترین سیاست‌هایی که به احترام همبستگی داشتند (مشارکه‌های ۱۴۸۵، ۴۳۲۱-۲۲) کسانی جوان ناتوان وقف (۱۹۹۲) از درون جنبش از مالات‌آوری آن انتقاد کردند. اگر نظر از «فeministes ۱۰» زنان را به عنوان قربانیان همه‌ی ادوار، برقد، ضعف و یکسانی با شهروندانی من کن و در جستجویی یک اصلاح کاذب اند. ولی تمرکز تک‌سنجی‌ای بر وضعیت وضحاوت‌ها، یک نوع دل‌دزدی و خستگی می‌یابد و از آن جهت ساخت فeministes و قابل آمدن بر گفتگوهای تام‌دکتر و ملان‌ته‌ری آرای طبق استفاده از فeministes‌ها برای مذاکرات زنانه در فرهنگ عاری مطرح می‌کند. به نظر از، یا باید لحن امیدوار این مقالات را با تحلیل سیاسی روش و ظرفیت سازمان‌های جنبش فeministes تبیین کرد.

مردان فeministes، یکی از هیچ‌چیزی که به پدیدار کردنی کلیت تنست به مسئولیت زنان و مردان و بنابراین به ظهور فeministes منجر شد حمایت مردان از انسان‌های فeministes بود. تئوری‌هایی در اواخر دهه ۱۹۶۰ که از جنبش زنان تأثیر می‌گرفت تا هنگامی‌ها مردان و ترکید که مردان فeministes از اواست دهه ۱۹۷۰ کنفرانسهای سازمانی، مردان و مردانی سازمان ملی مردان بر عهده تبعیض جنسیتی را تشکیل دادند. جنبش مردان هوازی مجدداً به جریان فeministes ایران و رادیکال‌ها می‌پردازند. برخی از اینها از فeministes ایران به استخدام از نظریه‌های تبعیض جنسیتی و انتقاد از ذات‌گرایی و مبانی صرف‌رسانی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مردانی و زنان‌شناخت انتقاد کرده که تبعیض جنسیتی به یک اندازه موجب ستمگری بر زنان و مردان می‌شود. جنبش و رادیکال‌های مردان ۲۰۰۰ را تغییر جنسیتی می‌دهد و به‌طور کلی تغییر جنسیتی با این مسئله مواجه می‌شود.
امپراتوری‌های پاسخگویی و مسئله کلیت انسان

فeminism نیز به شیوه‌هایی گواهی با تحقیق زنان و مردان در مطالعه آن‌ها می‌پردازد. مردان فeminیستی با ایجاد انجمن‌های مطالعات مردان و یا گروه‌های اجتماعی به مطالعه چگونگی انتی‌برادانت تهادی مردان و برابری مقولات نژاد، طلقه، جنسیت در صورت‌های هرگونه و هر زنونیک مردان در شرایط مختلف تاریخی و فرهنگی بردانتند. جاری‌ترین و اساسی‌ترین مجموعه‌ای از مقالات با عنوان مردان در فeminism 17 بودند. پژوهش گران مرد با تأثیرپذیری از جنبه‌هایی از سیاست و تاریخی فeminیستی در فeminism می‌پردازند 18. خود به پژوهشی برای مردان و بررسی کردارها و کنترل‌های بردانتند که مردانی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی تاریخی شکل می‌دهند. اگر همیشه این امر در این مقاله به‌عنوان برداشتی هیچ‌گاه داشته‌اند، در این حال از زنان می‌خواستند که این نکته را در کنک مهند استمرار پدرسالاری هیچ‌گاه داشته‌اند و در این حال از زنان می‌خواستند که این نکته را در کنک مهند استمرار پدرسالاری هیچ‌گاه داشته‌اند.

بازبینی پایه‌ای از ارزش‌ها: برخی از فeminیست‌ها علائم مردانه زنان به گسترش رشته‌های چون مطالعات مردان و مطالعات پسران بردانتند، در این دوره، برخی از فeminیست‌ها چون پاک ایتالیا (1992) به دعویوی فeminیستی از مطالعات مردان و مطالعات پسران بردانتند. برخی از فرفینان رهبر جنگ‌های ملی زنان که تاریخ 1940 از انقلاب مطالعات با خود فرشته‌های نادرلی که تاریخ نادرلی (1982) از تاریخ‌نگاری نهفته درباره خانواده مادری و همسری کلیه مک و جنیش را به تلخی در پیاده کردن برپایی واقعی دعوت مک کند هم‌هیز زنان و مردان را در پی می‌گیرد.

پاسخگویی به مسئله فeminیسم موج سوم

برخی از توضیح‌گران به که در فeminیسم را به مسئله یکی از گروه‌های اساسی در موج سوم فeminیسم به‌عنوان مک کنند (مک فرمند، 2009: 1004). می‌توانم مهم در موج سوم مطرح کردن تبادلی به در بین مردان، اسباب، 17 اعضا و افراد برخی و اهلی بریدن بیشتر در تاریخ‌های فeminیستی و در تعریف این موضوع است که چه کسی و چگونه می‌تواند یک فeminیست باشد. یعنی کلی،

27. Femenism/ Men in Feminism
28. Male Feminism
29. Inclusiveness
124 یوزه‌نش زنان، دوره 7، شماره 4، 1388

موج سوم بیشترین پیش‌سازی فرهنگ فeminist استقرایشانه توسط نسل‌های پیشین را در یک فرآیند متفق‌النظر در گسترش‌کننده، به‌ویژه نسل‌های مقاومت، نمادهای مقاومت و راهبردهای زنان جوان نسبت به نسل‌های قبل تغییر می‌کند (استاد، 2000، ص 373).

البته برحیث از فeminist‌ها موج سوم از کاربرد وازی پاسیفیسم در مورد خود احترام می‌کند و با وجود پذیرش تعارض‌های نسلی بین موج‌های دوم و سوم، متعددی که اصطلاح موج‌های پیشین و پس از موج‌های پیشین را بی‌پیگیری از اهداف آن‌ها، اینان هزینه می‌کند. این نسل‌های انتخاب وزیتی پاسیفیسم برای ارائه به فeminist می‌باشد، کاربرد برخی نامناسب است و با افرادی هزینه به اهداف فeminist می‌پردازد به کاربرد این وازی به خود آزار می‌رساند. پاسیفیسم در عین حال به عنوان گرایشی در موج سوم فeminist دارای ویژگی‌های مشترک با سایر جنبه‌های منابع مناسب برای تجربه و زنان، از این‌ها یک دردشته‌ای از این حرکت کلمه ناپدید می‌گردد که تصوری کلی و چندگانه‌ای از تجربه‌های زنان ارائه دهنده. پاسیفیسم نیز مانند سایر گرایش‌های موج سوم، از کیس سو بر تفاوت تجهیزه‌های زنان در برای مردان تأکید دارد و از سوی دیگر می‌خواهد تصویر عمیق و انسانی کلی تری ارائه دهد که بهترین علاج مشترک زنان مردان را می‌پوشاند.

در دیدگاه فeminist‌ها موج سوم، فeminism موج دوم با تأکید بر مفهوم یکسانی و نیاز برای ما به تفاوت‌های میان زنان که تحت توله می‌کنند سه‌پاسیفیسم تنها بر تفاوت‌های این برمان زنان و مردان، تأکید می‌کند و نسبت مفهوم برپاری به معنی فاقده‌داری عین زنان و مردان را کار می‌گذارند و به‌معنای دیگر «برپاری و تفاوت» را دو سویه عدلت می‌دانند. زنان و مردان که با پدید از حقوق برکار انسانی برخوردار باشند، در عین حال از حیث چاره‌های خود با هدیگر تفاوت دارند. به نظر اینان برپاری واقعی باید هم زنان و هم مردان را در بر گیرد و در عین حال این برپاری انسانی با تفاوت‌های جنسی تعارض ندارد. سه‌پاسیفیسم برای فاصله‌گذاری از دانه‌گاری زنان و مردانه به عنوان طویل تفاوت‌های اهمیتگر، به‌جای دور وازی زنان و مردان، از دو اصطلاح «ژنانگی» و «مردانگی» استفاده می‌کند. درباره این دو مفهوم بس از این بیشتر پوشش وای‌دامد.

30 Active Feminists
31 Conservative Feminists
امامی لازم است از دو نوع روایت از پاسفیسم بر توصیفی دوگانه ارائه داد. اولین توصیف، تأثیرپذیری پاسفیسم از شرایط خاص پسادمدن تأکید می‌شود و آن را همچون گونه‌ای خاص از فسفیسم پسادمدن معرفی می‌کند. پاسفیسم همچون برخی دیگر از جنبه‌های فمینیستی موج سوم از فضای فرهنگی اندیشه‌های پسادمدن و تأکید پسادخاگرایی بر مفهوم تأثیر پذیرفته است، اما سعی کرده‌که یک روایت سازنده و نه شکاک از فرهنگ پسادمدن ارائه دهد. در این روایت، مسئله زنان با مسئله مردان پیوند زده می‌شود از چهارمادی زنانه‌ها فعال به تهدید علیه زنان، بکه به تهدیدهای علیه انسان تغییر داده شاتون نام و هافمن، ۲۰۰۵ (۲ اسپرینگر، ۲۰۰۲) در دو نوع توصیف، بر مشابهت پاسفیسم با گروه‌های فمینیستی به مثابه اجتماعی جدید توجه می‌شود. اما توصیف پاسفیسم یا فمینیسم موج سوم بعنوان فمینیسم پسادمدن (در معنا خاص) و بعنوان جنبش‌های اجتماعی جدید در واقع با همدیگر تعارض ندارد زیرا در اولین توصیف، بر جنبش‌های معرفت‌شهری و در دویمن توصیف، بر جنبش‌های اخلاقی و کنش اجتماعی پاسفیسم مورد تأکید می‌شود. درباره این توصیف‌ها دوگانه پس از این بیشتر توضیح خواهیم داد.

پاسفیسم هم‌چون فمینیسم پسادمدن؛ مثبت گرد

در این بخش، ضایع اصلی پاسفیسم در برای دیدگاه‌های فمینیسم مدرن و تأثیرپذیری خاص آن از معرفت‌شهری پسادمدن، توضیح داده می‌شود. فمینیسم مدرن بر دوگانگی میان سوزه و ازدک‌که دارد که این امر بر پایه به‌هستی پیشین سوزه (زن) و اهمیت سیاسی قرارداد زنان در موقعیت‌سازی دلایل تناسب (ژولوسکی: ۲۰۲۰: ۳۹) سیاست فمینیسم مدرن، ساخت وکل عاملیت مختار است که قادر به تغییر میدنگی جو است (نمن: ۲۳). فمینیسم پسادمدن، دلتا وحدت‌گرایانه و دلیل‌گرایانه از زن را تأمین می‌سازد (هالم، ۱۳۸۳: ۲۲۲ و روایت‌های دلالی می‌تواند بر سلسله‌ی مرتب از این رد می‌کند (کد: ۲۰۰۳: ۴۹) و ناسانستی ۷۷ و عدم تغییر ۷۷ ناکیه می‌وزد (لیتز،۲۰۰۷).

۳۲. Subject-hood ۳۳. Instability ۳۴. Indeterminacy
بر اساس دیدگاه پاسامدنی، هویت به‌وسیله‌گ فکتیون، بازنمایی و بررسخه‌می‌بود و از همین رو
ماهیتی ناستوار دارد. اکثریتی نژد، هواستان شالوده‌سانی که سوزه‌ها بررسخه‌های کارداران
فکتیونی میدانند در رابطه می‌آیند (دان: ۱۳۸۵: ۲۹-۷۸). فیلمنسی‌های پاسامدنی این اندیشه را مورد تردید
قرار می‌دهند که یک سوزه‌تای ووجود دارد که باید کشف شود و نیز باید با استناد به آن، سیاست هویتی
را یپگیری کرد. نژد، بحصورت واقعی ووجود دارند و یک «حوصله‌رده» با اهمیت را تشکیل می‌دهند، اما
بین یک سوزه‌تای طبیعی و یک سوزه، تفاوت بسیار ووجود دارند. نژاد، نژاد ونژاد برای اثبات
حقوق یک سوزه‌تای نزد نژاد داد که چگونه می‌پذیرد یک ب'<زن بزناملایی می‌تواند (زالوسکی: ۲۰۰۰: ۴۰).>
گرایشات پاسامدنی در دهه ۸۰ و ۷۰ با تأثیربردار از آرا اندیشندن پاسخ‌های، بیش از پیش بر
خلقت امکان و سال هویت هم‌استان شدن. فوکو (۱۳۸۷) بازنمایی‌های هویت جنسیتی را به‌طور
عمل قدرت بحصورت تناکانگی پیدا می‌کند. تأثیر از فوکو، بر کرک دیگر کار اهمیت کار بیان،
سخن می‌گوید که هم زن و هم مرد و در عین حال، هم می‌بیاورد. نژاد و گاه مرد هستند. این
اندیشه‌های شکگیرانه با تلقی از جنسیت بهعنوان واکنش عقیدتی و سیاسی، زمینه بیش از پیش
офراید کرده‌است که گویدی درک امکان تعریف انسان بر حسب جنسیت وجود دارد. اهمیت کار بیان،
وارد آوردن نقدی جدی به سیاست ذاتپذیر فلسفی فیلمنسی است (بیلی: ۱۳۸۵: ۱۴۴). به جادو از
عمل مختلفی که واکنش آنها برای سرپرستی گونه مزالت هستی‌شناسی ندارد و بر اساس اصل
اجراگزاری، در صحنه‌ی برخوردهای فرهنگی شکل می‌گیرد. «جدیت» توهیم است که به یکی گفتار
عملی خوانده‌شده تا تشبهات جنسی در چارچوب ازم‌العمل مبناها به جنس مخلوق که عمل ناکام تولید
مثل است به سیاست وقادع‌مند شده» (دان: ۱۳۸۵: ۱۴۷). در یک تجربه‌گیری کلی می‌توان فیلمنسی
می‌شود و پاسامدنی را یک چنین گوناگون و بومی‌کن، به جنبه‌ها به یک‌طرف بیان تولید کنن.

۱. فیلمنسی مدرن نژاد می‌کند تا شناسه‌ها از شناساری افکاری و یک نژاد عالی تولید. یک
۲. فیلمنسی پاسامدنی تری‌تینی می‌دهد به‌جای منظر کردن «چه کسی و چه چیزی» و چگونه جیا تحقیق در
مورد این که چه چیزی عادلانه‌تر با اصولی است، این‌ها را با سوزه‌های منکر پیوند دید.
ماده ۳
برخلاف فیلسوفان های مددر که تأکیدی بر طبیعیت انسان را کردند، فیلسوفان های پاسامدن معنی‌داری که طبیعیت یک روش است که به‌عمل آورن ابرازی توصیه ۷۰ برای نشن دادن فرآیند اندیشه‌ساز از آن استفاده می‌دهند (زالوسکی ۲۰۰۳).

برخی از نویسندگان بر تأثیر نوپپیری معرفت‌شناسی پاسامدنی از پاسامدنی تأکید کرده‌اند (کی، ۱۹۷۰). در اندیشه‌های پاسامدنی می‌توان در دو جایگاه شک‌گرایی و مثبت‌شناسی را از هم‌دیگر تفکیک کرد (روسنگ، ۱۹۸۰). پاسامدنی شک‌گرایی با تأکید بر مقاومت چون مک این لاحق و اکثر هر نوع ادعای معرفتی، حقیقت نظریه را رد می‌کند، اما پاسامدنی شک‌گرایی امکان طرح دو عامل شناختی را می‌پذیرد و نتیجه‌ی این تغییر حقیقت نظریه اعتقاد دارد. به نظر می‌آید، این دو جایگاه را می‌توان در مورد فیلسوفان شک‌گرایی نیز تشریح کرد. فیلسوفان پاسامدنی شک‌گرایی با سازگاری‌پذیری خود مطابق‌تعریف جنسیتی را اکنون می‌کند، اما فیلسوفان های پاسامدنی مثبت‌شناسی به شکلی انتقاد‌پذیر به مطالعه‌های این مورد و به‌عنوان شناسی فیلسوفان تعامل بین آن‌ها می‌اند. به‌بنابراین می‌توان به عنوان اندیشه‌های «فیلسوفان های پاسامدنی مثبت‌شناسی» توصیف کرد.

انتقادات فیلسوفان متأثر از جریان پاسامدنی به فیلسوفان مددر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. در یک سمت، فیلسوفان با نوشته دیوید باتر ۴ قرار دارد که معنی‌دار است که همه روابط و هویت‌های جنسیتی براسا به‌شمار می‌رود و در سوی دیگر، فیلسوفان هلندی ناپیوندی ۷۰ قرار دارد که از «فیلسوفان بدون زنان» صحبت می‌کند (لودر، ۲۰۰۷). فیلسوفان در هر دو گروه متأثر از پاسامدنی، فیلسوفان مددر را به این‌های یک منفعت و یک نتیجه‌گیری ویژه‌ای یافت. راه‌حلهای شک‌گرایی فیلسوفان، همراه با بررسی‌های شک‌گرایی، مبهم می‌کند. افسان ممکن معرفت‌شناسی در اندیشه‌های فیلسوفان مددر و پاسامدنی باعث شده تا معاین انسان و جنسیت از سوی هر یک از فیلسوفان متأثر از جریان پاسامدنی که پاسامدنی نامیده می‌شود مورد بررسی فیلزفلو ۴۰ جریان پاسامدنی، پاسامدنی با توجه به آموزشی پاسامدنی، توقف، به‌عنوان جنسیت می‌اندیشه‌ها جانشینی می‌بایستند علاوه‌اکنون ارتباط دارد تا آن‌ها به‌عنوان شاملانشتهای و یک کار گردید. در این زمینه، به‌بازگرداندن

37 Causal Theory
38 Explanatory Tool
39 Radical Constructivism
40 Judith Butler
41 Taina Modleski
پاک‌گاچ جنسیتی به انسان و در عین حال، تعیین انسان به‌عنوان واقعیتی دارای جنسیت هم مردان و هم زنانه

توجه می‌شود.

پاسفیسم در برابر نگاه وحدت گرایانه جنسیتی قسمت بدنی مردان به‌عنوان توصیفی تغییر می‌پذیرد و هم زنانه و گرایش جنسیتی چندی‌گرایی قسمت بدنی پاسفیسم پاسکنی، بر دیواره بدنی واقعیت جنسیتی اسارت می‌وزد (کامبل، 2002). از نظر پاسفیسم‌ها، داشت فیسیست مدنی با تولید یک نظام میانی بر سلسله‌ریزی ارزشی به یک گفتنی قدرت تبلیغ شده است. گرچه این تصور به وجود داشتی یا آذین دارن، اما معتقدند که یک طرف این دو قطعی‌ها همواره هم‌خوان هستند و تصور می‌آید که نشانه‌های مادیکی قهر و تمرکز بر مقوله‌های کلیتی‌های جنسیتی، موضوع خود را نشان دهنده یا به «ژناتون» محدود کرده است. در دیدگاه اودیو، فیشیسم مدنی این به‌پیش اردن چین و روشان در گوش خود فرآیند می‌زند زیرا به سکویی تبیین می‌شود که زنان آن انتخاب می‌کنند. انتخاب این کنن در انتخاب کنن، اکثر باین و گران در انتخاب یا تغییر انسانی این دانش رهایی‌بخش برای سوژه‌ها متکنی با دوگانه انسانی است (کامبل، 2004). به عقیده پاسفیسم‌ها جراح اصلی فیسیست‌های پاسفیسم هیچ مبنایی ندارند و انتخاب به‌جای درباره جنسیت باقی می‌ماند. بنابراین هر زمان که محاسبه از مقوله جنسیت به‌عنوان می‌آید، آگاهانه و سازنده قسمت برتری جنسیتی را راهنمایی می‌کند و صحبت درباره مردان و زنان بر اثر اینتی می‌شود. بسیاری از عوامل در انتخاب کنن دارای اثر می‌باشند. هدف رهایی‌بخش انسان را تأمین کنن، حذف متان مراکز بر این در نظر گرفته شود که صحبت از مفهوم کلیدی «ژناتون» مخاطب را در انواعی از تعیین مانند غرب ساز (کامبلگر، 2006).
پسفامینیسم با انتقاد از سوریه، چندین‌ها و یکی از سوریه‌ها به‌عنوان مسئولیت برای حداقل رایجترین ریسک فیزیکی است. این اثر، این خاصیت سیمپاتیکالی با یک داشت رهایی و یک داشت زمانی با اشاره به دو درک، همگام با یک داشت اجتماعی نویسی در راستای آزادی و رهایی، نگرش انسان حرکت کند.

پسفامینیسم همچون جنبش اجتماعی جدید

در موج سوم فیلم، دو گروه، خاص‌تر و ترکیبی، دیده می‌شود (میشورداه، ۱۳۸۵: ۲۹۹). به نظر ما گروه‌های خاص‌تر با فیلم‌های تفاوت، با یک تغییر در عناصر و عناصر یک یک مشخص از زمان، کم‌کم تداوم جنبش فیلم‌های فیلم‌های اولیه در اولیه‌ای است، اما «گروه ترکیبی » که از زمان رفتن مورد و گاه در انتقال با مراحل اهداف و سیستم‌های از اهداف خاص زمان را دنبال می‌کند فیلم‌سیستم سنتی را به سوی یک کل، در اطلاع و انسان پیش‌رفت می‌گردد. هر یک از فیلم‌های تراز هر دل می‌دهد که این گروه ترکیبی را به‌طور فیلم‌سیستم در مقوله‌های فعالیت‌های زنان قرار دهد، اما با توجه به وجود گروه‌های بیشترین مدل نیاز به جنبشی در فیلم‌سیستم، نمی‌توان این تقصیر کننده‌ها را درپوش (مقابله کننده با همان: کاستر، ۱۳۸۲: ۲۳۷). فیلم‌سیستم مرکب، آرام‌های زنان، را بر آرام‌های عاطفی اجتماعی ترکیب می‌کنند و برای متصل محو می‌پردازه بر مجموعه‌ای از سیستم‌های دیگر مانند صلح، میخته و سیستم‌های محلی متعلق می‌کند. به‌بیانی این جنبش‌ها عبارتند از جنبش‌های فیلم‌سیستم صلح طبیعی و جنبش‌های فیلم‌سیستم صلح طبیعی، فیلم‌سیستم در حوزه‌های خارج از منافع مستقیم زنان را در پیوند با سیستم‌های خاص زنان دنیال می‌کند. بدین ترتیب زنان در جنبش فیلم‌سیستمی در حوزه‌های اجتماعی فعالیت را به‌ویژه حمایتی و جستجوی می‌کنند. در دهه‌های نهضت و نوین جنبش اجتماعی فیلم‌سیستم نهایی می‌روند که تفاوت یا تقابل با مراحل را چنان عمد که راه‌های انرژی از گروه‌های مردان یا گروه‌های خارج از فیلم‌سیستم، دو شورا (میشورداه، ۱۳۸۵: ۲۷۳-۲۷۴). از سوی دیگر، این جنبش‌های فکری کمتر از جنبش اجتماعی فیلم‌سیستم خاص جماعت‌های افراد و از کشتارهای فردی حمایت می‌کنند. با توجه به تفکیک آن تا ۱۳۸۳، بین کشورهای اجتماعی و سوژه‌های فردی می‌توان این روابط از فیلم‌سیستم را با دنیای
سوزه کنی فردی سارگنتر دانست که در عین حال به‌طور هم‌زمان فردگرای و کل‌گرای شده است. زیرا به‌گونه‌ای هم‌زمان، از سطح جنسیت زنای به‌سوی سوزه‌کنی زنانگی و سوزه‌کنی انسانی گام برمی‌دارد.

زنانگی و مردانگی به‌جای زنان و مردان

پس از وضعیت حفظ تداوم فمینیستی خود به این دیگری غیر ممکن است. این دیگری برای فراتر رفتن از فمینیسم سنتی «دیگری» را به‌گونه‌ای معنی می‌کند که اتفاقگذاری این کار از طریق مطرح دوگانگی جدید زنانگی/مردانگی در مقابل دوگانگی سنتی زنان/مردان صورت می‌گیرد. زنانگی و مردانگی هم دوخت دو متداول، یک با یکی و فرهنگی هستند که در فرآیندهای جامعه‌برداری به‌سزایان و مردان منتقه‌شده. این دو بر ساختار فرهنگی با یکدیگر تفاوت دارند و در عین حال هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند. این دو سازمان مفهومی می‌توانند به‌جای رابطه‌های دوقطبی ۲۰ که یکی دیگری را تکمیل می‌کنند دارای یک رابطه‌ای تکمیلی باشند. فمینیسم مردانه با دفاع زنانگی و از سوی دیگر «تلاش برخی از زنان در تداوم نظام بردارالارز از طریق شهودی خاص تربیت کودکان خود» (چوودور، ۱۹۷۸) نشان می‌دهد که زنانگی به‌سزایان هم از دیدگاه دارند، چنان که مردانگی هم به‌زنان ربط دارد. زنان و مردان که از عوامگرایی زیست‌شناسی با تفکر در فرآیندهای جامعه‌برداری با مخلوطی از ویژگی‌های زنانه و مردانه برپا می‌شوند و این اتفاق به‌غیره‌های یکی می‌باشد که توزیع ویژگی‌ها را با توزیع یکسان می‌توان انتساب کرد. این مهم‌های زنان از دیدگاه برخی ویژگی‌های مردانه و مردان نیز دارای برخی از ویژگی‌های زنانه هستند. چگونه که سرکوب می‌کند لزوماً مردان نیستند، یکه مردانگی است که یک نیز از جسم مؤتَنی، بینی زنان، برم‌بید را ویژگی‌های زنان لزوماً نباید بلند زنانگی است که به این دلیل این اتفاق زنان و مردان برای نتیجه زنانگی وجود دارد. اما هدف این اتفاق‌های سرکوب مردانگی بلند جلوگیری از همواری کشیدنی‌اند.

اختلافات و فرهنگ دوگانگی

جاکار (۱۹۹۴) دو مجموعه از ویژگی‌های فرهنگی زنانه و مردانه را به‌عنوان یکدیگر به‌نام می‌کند. ویژگی‌های مردانه عبارتند از: عدم وابستگی، استقلال، خرد، ارادة، سلسله‌مانی، تسلط، فرهنگ، تعالی، محصول، زهد، جنگ و مرگ و ویژگی‌های فرهنگی

---

42. Binarism
اندیشه‌های پاسخ‌گویی و مسئله کلیت انسان

زنانه‌پی crate از الیستگی متقابل، اجتماع، ارتباط، اشتراک‌گذاری، عاطفه، بدنه، اعتماد، فضای سرلیم، طبیعت، درون‌مان، گراف ناتمام، سلول و زندگی، وست ۱۹۸۸) روی‌پردازی قابل‌توجهی در ماده و روحیه بیوسکوپی زنانه را تفکیک می‌کند. به نظر می‌رسد، خود مردانه یک خود مستقل و در یک افزایش سود شخصی یا خودخواهی فردی است. این خود تنها همراهه تکران نیز ناپایدار توسط دیگران است و همین تکران موجب احساس بیکاری را نسبت به دیگران و ناتوانی از یافتن دوستان برای راهی برای تغییر روی‌پرداز، این خود تنها تکرام که گاه به مانده آزادی و گاه به مانده از تحول در مشورتی راهی‌گیری مردانه‌ای دارد. اما برای زنان بیوسکوپی با دیگران از اهمیت زیادی برخوردار است و آن‌ها در زندگی عملی و تنش‌های اجتماعی خود، به‌ویژه بسته به واقعیت آن‌ها، با زندگی انسانی پیوند می‌یابند.

excel مراقبت‌ها و اخلاقیات ماده ۱۷ و چه سرشت زنانه را تشکیل می‌دهند. مفهومون «اخلاق‌ مراقبت» با مطالعه کارول گیلیان (۱۹۸۲) در افکار فیزیکی رواج یافته. به نظر او، جشن‌نامه اخلاقی زنان از جشن‌نامه‌های مادن تماشا می‌شود و این دیدگاه به ترتیب بر اخلاق مراقبت و عدالت تکاب دارد. اخلاق مراقبت با ویژگی‌های جوهری مراقبت و تفاهم ۹۰ در روابط، تأکید بر دستگاهی جلوگیری از آزار نفسانی و یک شبکه حساس به جنبه‌های ملموس زندگی و ماقبل در برخورداری از روند‌های اخلاقی بر منابع اصول اخلاقی بودن دارد. نادیگر (۱۹۸۲) اخلاقیات مراقبت را عنوان یک روش در فیلمن‌های اخلاق، اخلاق آموزش اخلاقی یک مرد و معتقد است که اخلاقی و قوید درک زنانه، اربیت‌گری و حسابی نسبت به دیگران، بنیان کتی اخلاقی حقیقی را می‌سازند. گیلیان و نادیگر اخلاق مراقبت را در برخورداری مراقبت قرار می‌دهند. اخلاق مراقبت به این تأکید بر منابع ملموس و مسئولیت‌پذیری در حال دیگران بر موضوعات بشر عدالت، حقوق، قانون، استقلال و فردیت علایق ایستاده و در دقت‌های اخلاقی بر اصول اخلاقی و دارای شمول عام ۷۹-۱۰ کنیه می‌کند.

۴۳. Separation
۴۴. Connection
۴۵. Autonomous Self
۴۶. Ethnic of Care
۴۷. Maternal Ethnic
۴۸. Responsiveness
۴۹. Universality of scope
اخلاق مردان: تحقیقات، نیازهای، و اجتماعی، عمد و مشترک بر اصول است. زنان، بر عکس به موضوعات اخلاقی
مراقبت، نیازهای شخصی، و اجتماعی از حمایت به دیگران علاقه دارند و در قضاوت‌های اخلاقی اصول
انتزاعی و دارای شمول، همیشه پیروی از عقل و میزان اخلاقی و عقلانی و نه به شیوه خاص. 
"تأکید دارد. ت موضوع اخلاقی درستی به نقض احترامات و اخلاقی توجه دارد.
مراقبت جیره بچه از تجربه اخلاقیشان صنعت به انسان به طور کلی است و در واقع، دانگرانی در مورد
انسان‌هایی خاص است که فضاهای عاطفی شخص را اعمال می‌کند. رادک (1989) می‌گوید با طرح مفهوم
اخلاق‌های مادی، مدل اخلاقی مبنی بر رابطه آرمانی مادر، کویک پس از مهاجرت و کنترل تفکری
می‌کند. مدل اخلاقی ساخت رستمی مردانه در چهار عمومی سازگار است. در حالی که اخلاق‌های مادی
با تجربه زنان و کویک پس از دنبال خصوصی انطباق دارد. به نظر ا수가 مصالح مادر و کویک پس از
توفان به‌یک
گروه اخلاقی مادر، دنبالاً عمومی و دنبالاً خصوصی جایی پهلو برای زنگی خواهد بود.

فمینیسم دوفرهنگی

جنسیت فمینیستی از "ام زنان" یا "پزشکی" منافع هرهنگی - زیست‌شناسی زنان از بینیهای
سازگارهای ارائه کرده است. اولین از بینیهای، امر زنان را برداشتی با فرهنگ مردانه با اخلاق مثبت
می‌داند. ماده دیلی (1984) اخلاق‌های مردانه را سازگار از اخلاق‌های از راه‌های فنی و مادی
پدیدآورانه می‌داند که هر حال در علیق زنان و با هدف برشکان ساخته آزادی آنها ساخت یافته
است. زنان به مراقبت می‌پردازند چون بدون آن به خودکشی نمی‌شود و مادی می‌کند بنا
مادری کردن. ساخت اجتماعی در مدت مردان را حفظ می‌کند. فمینیست‌های می‌خواهند این گونه از
صورت‌بندی اخلاق‌های زنان اتفاق و در طرفین ساخته‌ای خاص به‌ندردی می‌کنند. به نظر آنها این
صورت‌بندی‌ها باید کلیه‌های فرهنگی عاطفی بودن و فکرکی زنانه انتقال که در واقع نشان‌های
رومانی‌های نشان به‌فرد اجتماعی انتقال همزمان عاطفی بودن زنان را نادیده می‌گیرد. این
جهت، گروهی از زنانی مردانی را بازتابی نقش اجتماعی همسر و زن بستی می‌دانند که ایجاد
مردان و آسیب‌پذیری اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن را بر بار می‌آورد (فردیمین، 2000: 121-2).
دومین ارزیابی اما در نمونه‌های فیمینیسم رادیکال و فیمینیسم ذاتی‌گرا به سبب افزایش امروز زنان در پردازش به‌کارگیری اخلاقی - فرهنگی زن بودن به‌عنوان روشی زن‌گذاری (کلاس‌های ۱۳۲۹) قابل است. این گروه نتیجه‌گیری می‌کند، به‌عنوان قوانین و برتری بر آن‌ها است. در موج فیمینیسم، تیمارگذاری بین سیک زنان و سیک مردان برای برتری نهادن بر ارزش‌های زنانه و نفت ارزش‌های مردانه عنوان می‌شود. این رویکرد جدایی‌طلبی با دعوت زنان به انجاب در موج دوم به جنبه کشیده می‌شود که این آن را با فیمینیسم فرهنگی نیز تامین‌می‌دهد. برای این دیدگاه رادیکال، تدهی بین زنان و مردان آشیان‌ناپذیر است و زنان یکدیگر را بازمرده و متعارض از اجتماعات مردان را تشکیل دهنده (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۳).

سومین ارزیابی از ویژگی‌های زنانه با پذیرش فرهنگی دوم بعنوان فرهنگ مردانه برداشت است. دیدگاه دووژنجاری/درگوژنجاری ۵۰ توجه‌گذاری چون گیلیکان و رادیکال به‌عنوان گونه‌ای فیمینیسم تلقائی‌گرا، از عرض هنرخانه‌ای دوگانه توسط فرهنگ به پرسان و دختران به‌عنوان کاملاً اجتماعی تشکیل می‌شود و با این حال اذعان دارد که در هر جنس بیولوژیکی، یکی از این ویژگی‌های دوران‌های جنینی به دلایل فرهنگی و زیست‌شناختی، بیشتر درد می‌کند. این شیوه ایستادگی با دیدگاه دووژنجاری بارتکی (۱۹۷۰) که انتقال جنسیت را صرف دیدگاه اجتماعی-فرهنگی می‌داند منتفی است.

هرچند فروردین (۱۳۸۰) انتخاب‌های افرادی چون ازلان در نمونه‌ای از یک فیمینیست فرهنگی می‌دانند، اما به‌منظور تعریف آن از فیمینیسم فرهنگی موج دوم، آن‌ها فیمینیست دووژنجاری می‌نامند. بر طبق این رویکرد، زنان به‌عنوان زنان ویژگی‌های متغیران دارد که به انتزاع ویژگی‌های مردان، ارزش‌های یا اکثراً به‌طوری‌که فرهنگ‌های اجتماعی واقعی زنان این نسبت که فرصت‌های برابر کسب تجربه‌ها یا ویژگی‌های سرشار مردانه را نداشته‌اند، بکه پیشنتر این است که جامعه از آن رسمیت شناختن و پذیرفتن به ویژگی‌های سرشاری باشد تا بهبود زنان و زنان این میان مانند جمع‌بندی می‌شود. فیمینیست‌های دووژنجاری می‌بایستی جستجوی فرصت‌های برابر کمک به‌طوری‌که سیک زنان باشد. این کوشش انتخاب اجتماعی به شایستگی‌های برای دیدگاه‌ها و علایق متمایز زنان را افزایش دهنده به نظر گیلیکان ویژگی‌های جنسیتی صدای اخلاق مراقبت بشرکار و ویژگی اقدامی و حبذی است تا مبینی بر

۵۳ هرترنورماتیویتی
۵۴ مبنا و انتخاب اجتماعی
نتیجه‌گیری

موضوع نوشتر حاضر ارزیابی ارتباط میان فیمنیسم بهعنوان یک چنین رهایی‌بخش با مقایسه کلیت انسانی است. در این مقاله برای نشان دادن این ارتباط به تحلیل‌های نظری و معرفت‌شناختی ارائه‌های فیمنیسم مدرن، فیمنیسم سایمردن و فیمنیسم پرادارتم، اندازه‌گیری متنی بر تقابل‌های آنتاری ومیچِن فرهنگی/طبیعت، عقل/عاطفه، عمومی/خصوصی، مردان و... است که در آن نوع کنگوپارک‌ها، دیگر نیست، این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ها، مردان هرچهرفت از فیل‌ها، روزانه از جمله نگهبانان، بایگانی‌ها و جنسیتی نه تنها وجود بر اساس این نظام کنگوپارک‌ه
ادیشته‌های پاسافینیستی و مسئله کلیت‌انسان

برتر می‌پایند، سیاست فمینیستی خواهان بر هم زدن چنین معادله‌ای است، اما می‌گویند تا از یک‌سو با افزایش بی‌پایانی جنسیتی و از سوی دیگر با اعمال راهبردی یک حرفه‌ای، خصیص مردانه را به زنان متسوی، کن‌و‌فر دینی‌گرایی بایگانی را به نفع زنان تغییر دهد. فمینیزم رادیکال به‌معنی کاملی تحقیق این هدف هر نوع سازش با مردان را ناروا و به یک جمعیتی تلقی می‌کند. هم چنین، یکی از این فمینیسم‌ها، خاویده ارگنیسمی‌های موجود روابط زنان با دشمنان آنها می‌دانند و ازدواج را به عنوان یک روش تکید انگیز ارزیابی می‌کند. این روش از یک پاسافینیستی با تولید مفاهیم تقابل و دوقطبی‌سازی، همزمان پاسافینیسم خود را به مانند و دانش متعاضی از یک‌سو تقویت می‌کند.

در نظر لوکاش (1978) موضع می‌پذیرد این طبقه بانده، این مزیت معرفی. 55 می‌خشد که با آگاهی یک‌پاره‌ای خویش، هیچ‌گاه به‌شناخت عیبی سرشار جامعه دست یابد و دیدن برخی از نتایج خود، همچنین برخی از نتایج دهد. نظریه‌ی گروه‌نامه‌ای در فمینیسم به‌موازی ای دیدگاه‌گر خویشی شکل گرفت است (ماکرل، 1983-1992). این پاسافینیسم می‌تواند ادعای نظریه‌ی چندساز زنان می‌باشد. فمینیسم می‌خواهد از طرف زنان داشته باشد، به‌شکلی بدون ترش و تحریف از کلیت انسانی را در کردار فمینیستی خود ثابت کند؟ آیا موضع اجتماعی زنان می‌تواند به‌مجرد کسب موضعیت جنسی انسانی و همچنین به‌نحوی که فهمه مرجع و ثابت در بیان و «برداشت» نظام‌بافته‌تر را جای‌گیری پوی‌سازی ناپایدار داشت مردم دارد؟ (میرزازاده، 1982: 30-21).

پاسافینیسم به‌عنوان یک گرایش پاسافینیستی ادیشته و نیز به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جدید می‌گویند به‌صورت مداخله‌ای و اساسی می‌کنند که درمانی نمی‌پذیرد. بر بیان‌های پاسافینیستی، نمونه‌گونه‌ای مطرح‌شده از سوی فمینیسم مدرن این گروه را در داکتری‌های زنان و خودکاری مردان قرار می‌دهند و پاسافینیست‌ها به‌طور پایداری درک اینی که به‌طور گسترده‌ای مطرح‌اند که درکی یک‌پاره‌ای است. به‌صورت یک جنبش مدعی‌سازی که جنبش غریب‌گرایی به جهت گریه‌های فنی‌ترین می‌باشند که درکی یک‌پاره‌ای است از سویه دارد به این‌جا می‌آید. دارد کردار فمینیستی بر پایه‌ی دانش‌های مردان شناختی اندیشی می‌باشد که به‌صورت غیر مبنا می‌باشد و همچنین به‌طور کلی شناختی به سوی دانش‌های اجتماعی فمینیستی است که درمانی نمی‌پذیرد و علت ناکامی آن تجدید جنبش به فهمه‌گری کلیت‌انسان را تعلیق و

55ِ Epistemic Privilege
66ِ Standpoint Theory
۱۲۶ پژوهش‌های زنان، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۳۸۸

فاقد پایان‌های مشابهی، مطالعاتی می‌داند. پاسف‌نیسم معقد است که بخشی از وجود انسان بر حسب معیار
جنسبی نمی‌گردد و اکثری از عمل‌های قانونی را حفظ می‌کند و مفهوم رهایی‌بخشی و مقاومت
کلیت انسان را در معرض ترخیص قرار می‌دهد.

پاسف‌نیسم به‌دیل تأکید بر «سیاست تفاوت» به‌نام قدسی زاده، اما اندیشه‌های تفاوت در همچنین
ایزب سرکوب به‌کار نمی‌آید و سوییه‌ای «دیگرسانه» آن از مردان به‌دست آمده است که نمی‌گردد در حاشیه قرار
نمی‌دهد. پاسف‌نیسم اما در جوهریجی خود فیسبینی است زیرا با پارسالارای در تعارض است. این رویکرد
تما می‌باشد: ساختن منته دارد که در این می‌گردد در سامانی به‌پایداری حضور دارد. پاسف‌نیسم رابدهای
تفاوت‌گذاری فرهنگ را نمی‌کند. نمی‌خواهد زنان عنی مردان بنشیند و جامعه‌نگری را مبتنی ساختن
جنیف می‌نماید و مکمل هم‌دیگر می‌داند. پاسف‌نیسم قد تعریف زن به‌عنوان یک سوژه تکسادی‌ای را ندارد
و به‌دنبال تعیین واقعی‌تایی زنان در بیان‌های میری‌اند: اما می‌خواهد بداند که جوهری نظریه زنان و مردان به‌روی
گفتن، زنان و قدرت داران دارند که تولید افراد می‌پذیرند. زن در این بخش بیشتر بک سوژه سیاسی
نیست. یکی می‌تواند با جنبه‌های مختلف اجتماعی در کنار طرف دیگر همیشه جنیفی بعنی مردانی است.
پاسف‌نیسم با قرار دادن مطالعات مردان در کنار مطالعات زنان به‌نگاری تولید داشت تقابلی و تعویض، قابل به
درک سوژه‌های متغیر انسانی و تولید داشت رهایی‌بخشی است که ژن‌های بی‌هندی‌ای و پیوند به‌بک
اتلاف مشترک را فراموش می‌آورد.

منابع
آویش، پاملا کترولاس (۱۳۳۷) درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فیسبینی، ترجمهٔ مریم خرازی و جمیح احمدی
تهران: دبیران مادر.
پینسل، آریس (۱۳۸۷) چهارشنبه ماه، ترجمهٔ محمد ضیاء میری، تهران: انتشارات روشگران و مطالعات زنان.
هان، رابرت جی (۱۳۸۷) تقلید اجتماعی با مدرن: بحران منظم، ترجمهٔ صادق تچی، تهران: انتشارات شیراز.
روستامی، باکوری‌نی وکی (۱۳۸۷) پژوهش‌های علمی اجتماعی، ترجمهٔ محمدحسین کامیاری، تهران: نشر آری.
فریدزن، حسن (۱۳۸۸) فیسبینی، ترجمهٔ فرید زرخور دیوان، تهران: انتشارات مهر.
فوکو، میشل (۱۳۸۹) اراده به داستان، ترجمهٔ نیکو سروش و افکوینه ونتن، تهران: نشر تی.
کاستلر، ماتئو (۱۳۸۰) عصر انفعالات: قدرت هویت، ترجمهٔ حسن چاوش‌پور، تهران: طرح.
اندیشه‌های پس امینیستی و مسئله کلیت انسان

کد، لوراین (۱۹۸۸) "مفرط‌شناسی فمینیستی" ترجمه: عباس پردرایی. در: فمینیسم و دانش‌های فمینیستی: تحلیل و نقد، مجموعه مقالات دایره المعارف روشنی. جلد دو: مفاهیم و تحصیلات زنان.

لواکی، هریج (۱۹۸۸) تاریخ و آگاهی بی‌طالبی، ترجمه: محمدجواد پویان. تهران: تجریه.

مشیرزاده، حبیب‌الله (۱۹۸۸) مقدمه‌ای بر مطالعات زنان. تهران: فرماندهی اجتماعی و مطالعه فرهنگی.

مشیرزاده، حبیب‌الله (۱۹۸۸) از جنسیت به نظریه اجتماعی: تاریخ دور فری فمینیسم: تهران: شیرازه.

هارادزیگ، سندر (۱۹۸۸) برگرفته‌ای از تجربه گرای فمینیستی: تناقضات‌های دارای دیدگاه فمینیستی، ترجمه: نیکو سرخوش و افین حسین‌نیک. تهران: نشر نیک.

هام، مکی (۱۹۸۸) فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: نوشیروان احمدی خراسانی. انتشارات بهار و فرهنگ: تهران. نشر توسه.


